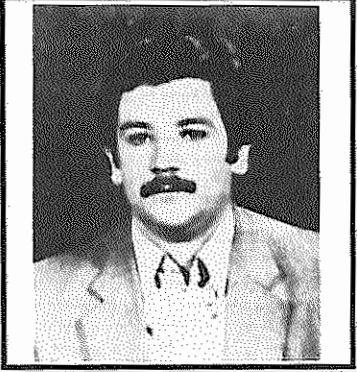


اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
بناسبت ۸ مارس روز جهانی زن  
برای صلح، دموکراسی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه  
متحد شویم  
در صفحه ۶

## اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شهادت فدایی خلق، رفیق علیرضا اکبری شاندریز عضو هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان

هم میهنان گرامی!  
رفیق علیرضا اکبری شاندریز، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما، در پی نزدیک به ۵ سال اسارت، در هفدهم اسفندماه ۱۳۶۵، به دست جنایتکاران حاکم، به شهادت رسید.

رفیق علیرضا اکبری (رفیق حواد) که در سال ۵۸ به عضویت در کمیته مرکزی سازمان ما درآمد، در سال ۵۹ به عضویت در هیئت سیاسی کمیته مرکزی درآمد. در خرداد ماه سال ۱۳۶۱، بدست دژخیمان رژیم اسپرئوسید، رفیق در پی چهار سال و نندی مبارزه پرفرآ و زونشید در شکنجهگاه‌ها و بین باسری افراشته و قلبی سربسار از عشق به مردم و کینه نسبت به دشمنان خلق، در برابر جوخه عدا ما ایستاد. رفیق علیرضا اکبری را به خاطر خدمت به سازمانش که نشانه وفاداریش به میهنش بود، خوشای مردم زحمتکش ایران است. او به خاطر موضع و مبارزه اش علیه رژیم خمینی، به جوخه عدا ما سپردند. رفیق حواد دشمنان دادگما سازمان و مردم است و با سازمان و مردم خواهد ماند. او و خانواده می‌دانست که با افساری راهی که در زندان در پیش گرفته، او را قطعاً به جوخه عدا ما می‌رساند، اما صبر و تدبیر کرد. او پیش رفت و تا آنجا پیش رفت که راهش قشنگ‌تر شد. به جوخه عدا ما سپردند. رفیق حواد دشمنان دادگما می‌تواند روزهای تلخ و تاریک را پشت سر گذارد و مشعل امید به ادامه



بقیه در صفحه ۹

### بیاد رفیق شهید، علیرضا اکبری شاندریز در صفحه ۲

است. گزیده‌های خمینی برای ایجاد جو وحشت و هراس در زندان، گروهی از مقام‌ترین زندانیان را با رده‌بندی‌ها جدا کرده اند و بیدار دگا‌ها را به شرع در احکام دره برای آنها، تجدید نظر کرده است. در میان آنها، نام رفیق صمداسلامی، که در قدیمی و مورد تجدید نظر قرار گرفته و در دورا اخیر گما کت به اعدا محکوم گردیده است. فشا رجمد و شکنجه‌های سنگین بر عده‌ای از زندانیان سیاسی براسا بقه، فزونی یافته است. تا

### بیاری زندانیان سیاسی بشتاییم

زندانیان سیاسی، این فرزندان پاکیزه خلق، زیر شکنجه‌های سفاک به جلادان جمهوری اسلامی، با آرزوی استوار با بداری می‌کنند. اعتصاب غذاها و صبرازات دلبرانه آنها، طی یکسال اخیر، نشان داد که رژیم طاقتور نتوانسته است ایستادگی ایران را هیا ن با بداری درهائی مردم را درهم شکنند. اینک جلادان رژیم با زهم آغا ز دوره تا زهای از فشار و تضییقات، در صدد است تا رژیم کمبری از آنها سرانجام دهد.

### توطئه جدید جمهوری اسلامی و رژیم ترکیه

به گزارش خبرگزاری‌ها، در جریان سفر ولایتی، وزیر امور خارجه رژیم خمینی به ترکیه در اوایل بهمن، نمایندگان رژیم، در تاجیکستان و ترکیه در استای سرکوب مشترک جنبش خلق کردوا اعمال فشا ریشتر به پتانها گما سیاسی ایرانی مقیم ترکیه، به توافقهای تازه ای رسیدند. احداث خط لوله برای صورنفت ایران از طریق ترکیه و مراقبت مشترک از آن و نیز جلوگیری از فعالیت آرا منته ایران علیه رژیم ترکیه، از جمله موارد دیگر مورد توافق بوده است.

### اجرای قطعنامه شماره ۵۹۸ خواست مردم ماست

روز دوشنبه پنجم ماه، رژیم خمینی با دست زدن به تهاجم تا زهای بنام "بیت المقدس ۲" یکبار دیگر کوشید بخت خود را برای شکستن بن بست جبهه‌ها بیازماید. نتیجه این حمله نیز بر خلاف جار و جنجال رژیم، شکست مفتضحانه دیگری بود که بر "تهداوی اسلام" وارد آمد. نتایج نتایج "بیت المقدس ۲" اجساد بی جان صدها تن دیگر از جوانان ایرانی بود که بر دشمنی و بیابانهای خون گرفته باقی ماند. پیش از آن نیز رژیم به حمله دیگری بنام "ظفر" دست زده بود که با ناکامی و شکست شوا منته. در کما رحملات نا موفق در جبهه‌ها و کلوکله با رانها و بیابانهای پراکنده شهرها و مراکز اقصا دی، جنگ نفت کشها پس از یک دوره آرا من موقتی مجددا شدت گرفت. طوسی ما گذشته دهها نفت کش بزرگ و کوچک توسط هوا بیما های عراقی و فایقهای جنگی جمهوری اسلامی مورد حمله قرار گرفتند.

- در این شماره
- \* سوداگران بزرگ
- \* یاری "عدالت، آزادی و صلح"
- \* یاور رژیم فقیها
- \* بازجویی (۳)
- \* جنبش کارگری در جهان عرب

### بناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

- \* مبارزه علیه تحمیل حجاب اسلامی
- \* پروین، ستاره‌ای در آسمان ادب ایران
- \* روایت نیم قرن رنج و یگار، پیام شادی در بر تو صلح

### انتخابات فرمایشی رژیم را تحریم کنیم!

با نزدیک شدن ۱۹ فروردین، روز سرگزاری انتخابات مجلس سوم، جنگ قدرت میان دستجات، باندها و جناحهای هیات حاکمه، شدت با زهم بیشتر گرفته و درگیری‌ها به عرصه‌های متعدد و متنوعی گسترش یافته است.

انتخابات در شرایط جنگ قدرت میان دو جناح اصلی حکومت، در ماندهای مطلق رژیم در جنگ با عراق، نفرت دم فزون مردم از حکومت آخوندی و بیسم از زهم‌ها شدن سیرا زها قطعاً دوهراس از "طنین فقر" سرگزاری می‌شود. وهما از این روست که سرد صدا ران رژیم، این انتخابات را حاسی شده و مقدمات کار را نیز با حسابیت تدارک دیده اند.

گسترش جنگ سردا منته درگیری جناح‌های هیات حاکمه، در این دوره انتخابات، در مقابله با دوره‌های پیشین، با زراست و این امر یکجوتکی تدارک انتخابات توسط جناح‌های رقیب، آشکارا تا نیز گداشته است.

### پیرامون قانون کار اسلامی (۲)

در صفحه ۴



### سوداگران مرگ

### یاور رژیم فقهی

افشای ماجرای فبیخت بار "ایران کیت" که برده ز معاملات و روابط پنهانی جمهوری اسلامی با تریترین محافل امپریالیسم امریکا برداشت و همچنین افشای گوشه‌های دیگری از همین سبوع روابط با دیگر کشورهای امپریالیستی، نشان داد که چگونه رژیم جنایت بی‌شمار، برای پیشبرد اهداف جنگ طلبانه خود، سیاست‌های زحمتکشان میهن ما را به کیسه ارتجاعی ترین محافل سرمایه داری امپریالیستی ریخته و به یکی از مستربانان بیرونی قریب کمیته‌های اسلامی و سلاطین بدل شده است. تنها طی چند ماه گذشته نشان شده که شرکتی است که امپریالیستی، با گناهی دهنده سلاح مورد نیاز جمهوری اسلامی را تا مین کرده و از این طریق میلیونها دلار به جیب زده اند. اسنادش شده نشان می‌دهد که کلیه کشورهای امپریالیستی علیرغم هیاهوی تبلیغاتی تا مین بر تحریک صدور سلاح به جمهوری اسلامی، هیچگاه صدور سلاح به رژیم را قطع نکرده و پیوسته دستیار و تحریک کننده عراق بوده اند.

هنوز مدت زمان زیادی از افشای ماجرای "ایران کیت" نگذشته بود که معلوم شد اسرار این بدامناح دشمن صهیونیست رژیم فقهی نیز علاوه بر اینکه بیشترین کجکها را در تحویل سلاحهای امریکایی به رژیم فقهی نموده، خود نیز نماینده در مین سلاح مورد نیاز رژیم شرکت داشته است. بطوریکه اسناد افشا شده نشان می‌دهد، همکاری پنهانی دولت صهیونیستی اسرائیل در مین زمینها و اسلحه ۵۹ وجود داشته است.

بنابراین گفته مقامات اسرائیلی، این کشور از سالهای ۵۹ به این سو، تعداد رکات نظامی امریکایی و اسرائیلی به ارزش ۱۵۰-۲۵۰ میلیون دلار، در اختیار رژیم فقهی قرار داده و تنها در ماه ژوئیه ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) یک مینا پنهانی رژیم فقهی به ارزش ۱۳۶ میلیون دلار مین اسرائیل و واسطه‌های صهیونیستی، صورت گرفته است. ...

هنوز نتیجه و تحلیل ماجرای "ایران کیت" و رابطه پنهانی رژیم با اسرائیل ادا شده است که فاش شده که شرکتی است که اسلحه‌های امریکایی و نیز، طرف مینا پنهانی رژیم صهیونیستی بوده اند و رژیم جنگ طلب فقهی از دسترنج خلق ایران، سیسل، روسای این شرکتها را نیز جرب نموده است. تنها در ماه گذشته افشای آنها منجر به تحویل سلاح به پنهانی در ارتش می‌گردد، معلوم شده که فقط در یک مورد معادل ۸۰۰ میلیون نیلینگ نصب یک دلال ارتشی شده است. تخوید حیدریت فمحل بخوان از این مجبسل.

در ادا مین افشاگرین است که معلوم می‌شود که جمهوری اسلامی منقورترین رژیم نژادپرست، یعنی آفریقای جنوبی را نیز بی‌نصیب نگذاشته و درقبال تحویل نفت، از این رژیم نژادپرست، سلاح

دلال‌های معروف و اسلحه‌باز در همین رابطه، بسیار غالب است. او در گفتگو با خبرنگاری، چنین اظهار داشت: "اسلحه مثل هروشین نیست که پنهانی ساخته شود و قاچاقچیان آن را در لایه پنهان خود مخفی کنند. قاچاق اسلحه بدون اطلاع و مساعدت دولت‌ها، امکان ندارد."

مروزی کوتاه‌هنگامی است که متعدهای گوناگون در ارتباط با فروش اسلحه به رژیم صهیونیستی در مطبوعات جهان منتشر شده است، نشان می‌دهد که متوق اصلی تبادل و متوجک هستی براندا از ایران و عراق، کشورهای امپریالیستی و قبیل از همه ارتجاعی ترین محافل کشورهای امپریالیستی است. این موضوع در همین حال بسیار نگران واقعیت نیز هست که امپریالیست‌های امپریالیسم امریکا، علیرغم برخی مخالفان خود، نیتش با رژیم فقهی، در وجود این رژیم قرون وسطایی و آزادی‌کش، نیروی قابل اتکا و قابل در مینا علیه نیروهای انقلابی و به ویژه کمونیست‌ها و نیز کشورهای ترقی‌خواه و انقلابی تشخیص داده و مهمتر از آن، ادامه ماجرا جوشی نظامی توسط رژیم صهیونیستی، با اهداف استراتژیک ارتجاعی ترین محافل امپریالیستی انطباق داشته است. به همین دلیل نیز هست که اکثر کشورهای امپریالیستی در برابر پنهانی اسلحه به رژیم صهیونیستی، با همدیگر همکاری نشان ندادند و کرده و مواظبات لازم را در اختیار همدیگر می‌گذاشتند. برای نمونه اسلحه‌های فرا نسوی از طریق سوئیس و سلاحهای امریکایی از طریق دانمارک و اسرائیل به ایران حمل شده است.

صورت پنهانی اسلحه به ایران برای حقیقت نیز با ردیکر صحت که دروغ، جعل واقعیت و قریب افکار عمومی، مینای اصلی دیپلماسی دولتهای امپریالیستی است. افکار عمومی جهان متوجه شد که دولتهای امپریالیستی با وجود تهدید صهیونیستی و اسلحه به رژیم صهیونیستی و با وجود وجود رادیو طاهری از اسلحه به رژیم صهیونیستی، خود منبوع اصلی تا مین سلاحهای مورد نیاز رژیم برای ادا مین جنگ بوده و از این طریق سودهای سرشاری نصیبشان شده است.

فارت خلقها، تصاحب ثروتها و طبیعتی و ارزش‌های مادی و معنوی کشورهای نظیر کشور ما، اساس سیاست‌های امپریالیستی و تکمیلی می‌دهد. همچنانکه جنگ برای شخمی همچون خمینی، "تعمت" است، برای سوداگران مرگ نیز "تعمت" است. کشورهای امپریالیستی با تسلیح رژیم، به ادا مین جنگ خود را ختم می‌کنند، تا مین بدین ترتیب آتش جنگ ایران و عراق را شعله ورتز نگذارد و نتوانند اسلحه به متوجه شدن اوضاع منطقه، نیروهای نظامی خود را در خلیج فارس مستقر سازند. در همین حال انحصارات میلیتاریستی، به دینوسیله با فروش سلاحهای مرگبار به چندین برابری می‌شود. سودهای کلانی به مینا زده اند. اسرائیل نیز علاوه بر بدست آوردن دهها میلیون دلار، در سایه این جنگ‌ها نام براندا از، توانست جنبایات با بقای را علیه خلق فلسطین سازمان دهد و پیش ببرد. جمهوری اسلامی به هر ترتیب دیگری عمل می‌کرد، نمی‌توانست تا مین هدف ادا مین استراتژیک امپریالیسم امریکا در منطقه، با ری رساند.

دریافت کرده است. تا این اواخر ظاهراً دولت فرانسه از این باجرا برکنار مانده بود، ولی انشأ رگسزایش بحرامت وزارت دفاع این کشور، از آن نیز برده برداشت و روین شده که این کشور نیز از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ توسط "موسلوش" صدها میلیون دلار جنگ افزار به جمهوری اسلامی فروخته است. در آذرماه سال جاری روزنامه "لوماس" فرانسوی با اشاره به یک شرکت دولتی فرانسوی بیش از ۸۰۰ تن باروت و ۲۵۰ تن مواد انفجاری نیرومند تر به جمهوری اسلامی تحویل داده است. البته با بدیهه داداش که قبلاً نیز مدور حقا دیرزادی کلون و تسلیح و خب فرانسوی به جمهوری اسلامی، افشا شده بود. در ماه جاری "ایرا ریکت" فرانسوی بود که دریا سالار "پی-براکویت"، رئیس سازمان اطلاعات فرانسه، فاش ساخت که دولت حسی مبارک نیز در فاش اسلحه‌های ۱۹۸۶-۱۹۸۶ میلیون دلار اسلحه فرانسوی را به رژیم صهیونیستی فروخته است. فرانسوا میران، رئیس جمهور فرانسه نیز تا مین تا مین دریا سالار مذکور افزود که از جانب اسلحه به مینا به جمهوری اسلامی با خبر بوده است.

با انشأ این کیت فرانسوی، بنا بر روی تحویل اسلحه از سوی کشورهای امپریالیستی به رژیم خورآنا خمینی تکمیل شد و معلوم گردید که جمهوری اسلامی برای ادا مین و تسلیح فزونی از حمایت پنهانی ارتجاعی بین المللی برخوردار بوده است. البته دولتهای کشورهای امپریالیستی برای قریب افکار عمومی جهان و مردم کشور خود، سعی می‌کنند فریب پنهانی اسلحه به رژیم صهیونیستی را امری مربوط به قاچاقچیان اسلحه قلمداد کرده و خود را از خیر نمانند. به این منظور آنان حتی تعدادی از جیره‌های اسلحه خود را نیز برای رژیم صهیونیستی به "نورث" و دیگران به مینا لاجرای "ایران کیت" بستان خود را دست داده اند. در ارتش تعدادی از کارگزاران رسیده و به دگا دگا شده اند و در فرانسه نیز فرانسوا میران رئیس جمهور ایران کشور، از خود سلب مسئولیت کرده و در مورد کیت ۱۸ ماهه خود در رابطه با فروش پنهانی اسلحه به فرانسه به واسطه‌های جمهوری اسلامی، گفت: "انجام این امور رسیدگی به ما مندرجاً قاچاق اسلحه به جمهوری اسلامی، می‌تواند به ما مندرجاً قاچاق اسلحه به فرانسه از طریق ۴۰ تا ۵۰ کارگزاران رسانده شده است و وزارت خارجه بی‌طرفی می‌راند."

اما علیرغم این عوام فریبی‌ها، به زودی روشن شد که مردم و پنهانی اسلحه به ایران در امریکان توسط شخص ریکان و در دیگر کشورهای، تحت هدایت مقامات بلندپایه دولتی صورت می‌گیرد. اسحق نامیر، نخست وزیر اسرائیل در این باره صراحتاً گفت: "اندا مین فروش پنهانی اسلحه جنگ از اسرائیل به جمهوری اسلامی، مورد تأیید و تسلیح است. اسرائیل فرار گرفته و ما همه معتقدیم که سیاستهای "تسل و تسو" در این موردی نقض و صحیح بوده است. وی در همین مباحثه، صراحتاً اعتراف نمود که اسرائیل مسدود اسلحه را با مبارکت امریکا به انجام رسانده است. او از جمله چنین گفت: "ما عمل اسرائیل اسلحه به جمهوری اسلامی را با مبارکت امریکا به نحی محاسبات رسانیده ایم و هیچ دلیلی در دست نداریم که از انجام این عمل بنا سب و بی‌بیمانی ما تا مین، سخنان یکی از

برده، با پیش کشیدن شروط تحمیلی می‌کوشد حداقل بخشی از اهداف ارتجاعی خود را که نتوانست از طریق نظامی متحقق سازد، از طریق مذاکرات سیاسی به دست آورد. ما نورهای رژیم صهیونیستی موزان به آن در مینا داده است که جمهوری اسلامی به حفظ وضع موجود تا مینا کردن راهمی برای رهایی آبرومندان ارتجاعی، بی‌علاقه نیست. جمهوری اسلامی علیرغم ناکامیهای بی‌درین نظامی هنوز از وسیع نیروها و ادا مینا جراحی‌های نظامی دست نکشیده است.

هر چند آخوندهای حاکم از ادا مین جنگ نتواننده و فشا رکمرشکن آن را هر روز بیشتر می‌کنند، اما هنوز از پذیرش صلح خودداری میکنند و تسلیم صلح طلبی مردم نشده اند. با بدیه گسترش مبارزه علیه جنگ، امتناع از حضور در جبهه و پرداخت کمک مالی، و اعتراض و مبارزه همگانی علیه جنگ، سران رژیم را به زانو آورد. اکنون تحولات جنگ به نظر می‌رسد، حاسی رسیده است. رژیم اکنون نه تنها در ایران، بلکه در سایر جبهان آماج خدمت و اعتراض نیروهای صلح دوست قرار داد. تحریک صلح طلبان در ایران نیز با شعار رضع بی‌درنگ و بی‌قید و شرط جنگ و جراحی فوری قطعا به ۵۹۸ شورای امنیت، در همه جا گسترش داد.

از ادا مینا فتن جنگ، تلاش می‌کنند که یک نا و کمان دریا ش مشترک با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و با شرکت ممبران شکل دهد و این کشورها را بیشتر از پیش به همگاری و شرکت در نقشه‌های ماجراجویانه خود جلب کند. اکنون ۳۰ کشتی جنگی امریکایی در منطقه حضور دارند که تهدید دائمی علیه امنیت منطقه و خلقهای این کشورها، شمار می‌روند.

در برابر سیاست تسلیح و تهاجمی آمریکا، سیاست صلح‌جویانه اتحاد شوروی و هم‌بیمانی آن نسبت قرار دارد. اتحاد شوروی پیگیرانه، از خسار روح نا و کمانهای دریا بیامریکا و کشورهای دیگر غریبی و جاگزینی آنها با یک نا و کمان بین المللی زیر نظر سازمان ملل متحد، جان نبداری می‌کند. امریکا به شدت با اجرای این پیشنهاد که به معنای اسراج نا و کمان جنگ و از انطباقها است، مخالف است. موضع اتحاد شوروی، اجرای فوری آتش‌بس و قطع جنگ از طریق اجرای بلا درنگ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت است. اتحاد شوروی در جریان باز دیدا خیزورهای امورا ره عراق و عربستان سعودی از این کشور، بار دیگر برای موضع را که یگان راه برقرار صلح در شرایط فعلی است، مورد تأکید قرار داد. در نتیجه دو مینا نیز آتدرو و میکو صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، در ملاقات با سفیر ایران، در مسکو، همین موضوع را اعلام داشت و گفت که در صورت امتناع رژیم صهیونیستی از پذیرش قطعنامه سازمان ملل، تدابیری مانند تحریم تسلیحاتی با بدیه متوجه جراحی ترنفرار بگیرد.

اما رژیم صهیونیستی در برابر اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مقاومت می‌کند و تنها می‌تواند تلاشهای صلح طلبان را عقیم کند. گفته است. جمهوری اسلامی ضمن ادا مینا کرات پشت

**زنده باد صلح،  
زنده باد آزادی،  
مرگ بر خمینی**



### جنبش کارگری در جهان عرب

طی دینا و گفتگویی که چند روز پیش بین یکی از رفقای رهبری سازمان ما و دو تن از مسئولین شورای مرکزی اتحادیه‌سراسری کارگران کشورهای عربی صورت گرفت، مسایل مربوط به تحولات جنبش کارگری در منطقه مورد بحث قرار گرفت.

آنچه می‌خواهیم بگویم این است که تحولات جنبش کارگری در جهان عرب را می‌توانیم به دو بخش تقسیم کنیم: منطقه‌ای که در آن جنبش کارگری در حال رشد است و منطقه‌ای که در آن جنبش کارگری در حال انحسار است.

منطقه‌ای که در آن جنبش کارگری در حال رشد است، منطقه‌ای است که در آن جنبش کارگری در حال رشد است و منطقه‌ای که در آن جنبش کارگری در حال انحسار است.

شورای مرکزی اعزامی شوند، ما آنها را تشویق می‌کنیم که در درون اتحادیه‌های زرد، عملیاتی و یا نیمه عملیاتی داخل کشور خود، کار کنند، این به این مفهوم نیست که اتحادیه‌های دموکراتیک کارگران به حال خود رها می‌شوند.

چندی پیش، مرکز جدیدی تحت عنوان: کارگران دفاع از اتحادیه‌های دموکراتیک و آزادی مبارزه کارگران، در پاریس ایجاد شد، این مرکز، فعالیت مستقل دارد، از مبارزه‌سندیکا‌ئی کارگران در کشورهای مختلف جهان دفاع و ورزش‌های ارتجاعی را به کارگران عملیاتی و جنبش کارگری در کشورهای مختلف جهان تشویق می‌کند، این مرکز، فعالیت‌های مختلفی در زمینه‌های مختلف دارد، از جمله: آموزش کارگران، توزیع بروشور، چاپ کتاب، برگزاری کارگاه‌ها، و ...

در این سال گذشته، عراق‌ها موفق شدند که در منطقه خود در اتحادیه‌های کارگری در کشورهای عربی گسترش دهند و تعداد دیگری از اتحادیه‌ها را به سمت خود متماثل کنند، اتحادیه‌های کارگری مصر، جیبوتی، یمن شمالی، اردن، سومالی، مغرب، تونس و اخیراً تا حدودی کویت و لیبی به جانب بلوک عراق متمایل شده‌اند. هر اس از جنبش کارگری در این کشورهای، از عواملی است که آنها را به سمت حمایت از خط مشی پیشینهادی عراق سوق می‌دهد، زیرا رژیم عراق با "بیکار رات" جدید خود توانسته است تا میزان جنبش سندیکا‌ئی در کشورهای عربی را کاهش دهد.

در عراق تا سال پیش، کارگران تشکیل‌دهنده سراسری داشتند، این سالها مکان حرکت یکپارچه آنها علیه حکومت را فراهم می‌آید. رژیم عراق طی سال گذشته، به دلیل افزایش فشارها بر کارگران از وضع کشور، اعلام کرده که کارگران بخش دولتی کارمند محسوب می‌شوند و لذا نمی‌توانند در اتحادیه کارگری عضویت داشته باشند، به این ترتیب کارگران بخش دولتی را که نیروی بزرگی بودند، از کارگران بخش خصوصی جدا کرد و اتحادیه کارگران عراق را عملاً دو قسمتی نمود. این امر چیزی جز انحلال سندیکاها نبود. در پی این مساله بسیاری از رهبران سندیکاها که کارگری که مترقی و صاحب نفوذ بودند، به دلیل آنکه در بخش دولتی کار می‌کردند، از فعالیت‌های خود در سندیکاها کنار گذاشته شدند. بنسبین ترتیب حتی اتحادیه حکومتی نیز تحلیل شد.

بلوک بندی مورد بحث در اتحادیه‌سراسری، به میزان زیادی تحت تأثیر سیاست گیری سیاسی دولتها و تغییر تحولات سیاسی اوضاع منطقه و صف بندی‌های سیاسی ناشی از آن قرار دارد. اما همه مساله‌ها و اختلافات، به نوع نگرش دولتها به مساله کارگری خلاصه نمی‌شود، بلکه تلاش برای کسب رهبری اتحادیه سراسری کارگران کشورهای عربی - که یکی از مهم‌ترین و پرنفوذترین تشکیلاتی است - از نظر سیاسی مساله بسیار مهمی است که عراق و سوریه و تعداد دیگری از کشورهای عربی بر سر آن رقابت می‌کنند.

رژیم عراق اخیراً در بغداد دفتریه به نام "دفتر سازمان کارگران عرب" ایجاد کرده است، این مرکز در واقع در رقابت با اتحادیه‌سراسری که مقصد آن فعلاً در دمشق است، تأسیس شده است. عربستان سعودی در تاسیس آن کمک‌های مالی و جبرانی کرده است و کشورهای کویت، یمن شمالی و بحرین با این دفتر همکاری دارند و خودشان نیز در صدد ایجاد مرکز در این منطقه در مورد جنبش کارگران در کشورهایشان هستند، این به اصطلاح سازمان جدید، مواضعی فداکارانه و ارتجاعی دارد.

در شورای مرکزی اتحادیه‌سراسری کارگران عرب، رسماً همه کشورهای، به استثنای مصر، عضویت دارند. نماینده عراق هم در شورای مرکزی حضور ندارد، این تشکل تنها اتحادیه بوده است که صاحب نفوذ بوده و کارائی دارد. کشورهای عضو اتحادیه، سه دسته‌اند: یا اساساً سندیکاها ندارند (عربستان سعودی، امارات متحده، عمان، ... ) یا سندیکاها حکومتی دارند و یا سندیکاها کارگری مستقل دارند.

افراد عیناً صرفاً بسته به نیروهای کمونیست و ترقی خواه که در اتحادیه‌های زرد فعالیت می‌کنند، معمولاً از طریق این اتحادیه‌ها به دلایلی

با رژیم می‌شوند، می‌توان گفت یکی از دلایل مهم تغییرات لیبرالی اخیر در تونس (برکنای بورژوازی و روی کار آمدن زین‌العابدین علی)، اوج گیری جنبش کارگری تونس، از آن بوده است.

کویت: در کویت جنبش کارگری وضع مناسبی دارد، اتحادیه کارگری کویت نسبتاً با استقلال و نفوذ خود دارای است، اتحادیه‌ها به نسبت های مختلف، نظرات و راه‌های همیما‌ئی‌ها می‌کنند، زیرا به تا زگی در میان آنان تا زمانی هائی نسبت به سیاست‌های حکومت وجود داشته است. سیاست کارگری رژیم لیبی، سیاستی است متناقض، مثلاً، قدامت‌پسین بر اساس یک منشور، تولید، توزیع و مدیریت کارخانجات را به کارگران واگذار کرد. این حرکت که به هیچ وجه با سطح مبارزه طبقه کارگری لیبی انطباق نداشت، چندان موفق نبود. هر چند سیاست مشتی داشت. اکنون حکومت لیبی در صدد است از شوراهای کارگری موجود، یک اتحادیه یا مجمع کارگری ایجاد کند و کم‌کم آن را به یک حزب حکومتی تبدیل سازد.

جمهوری دموکراتیک یمن: در یمن دموکراتیک الیت وضع متناقض است. مسئولانترین برخورد‌ها را در این کشور درگیرهای درونی حزب سوسیالیست یمن در سال ۱۹۸۶، طبقه کارگری یمن داشت. کارگران یمن پس از ۱۳ ژانویه تا امروز با مسئولیت و دلسوزی تحسین برانگیزی، به کارهای زندگی مشغول شده و جناح‌های حزب را به وحدت فرا می‌خوانند. اعتماد مردم به طبقه کارگری سندیکاها، از حنی بی‌شائبه است. از حزب سوسیالیست یمن است. نشریه اتحادیه کارگری یمن دموکراتیک بر شیراز ترا نشریات حزبی است.

سوریه: در سوریه، حافظ اسد می‌کوشد، برای بیرون راندن رقبای خود از صحنه سیاست، پس از ارتش، بیشترین ارتکاب‌ها را به کارگران داشته باشد. اتحادیه کارگران سوریه عمدتاً زیر نفوذ حزب بعث است و فعالیت‌های آن، مواضع آن در اتحادیه‌سراسری کارگران کشورهای عربی، مثبت است. هر چند با گرایش تا تنگ نظرانه‌ها است. کمونیست‌های سوری در اتحادیه‌ها فعالیت می‌کنند. اکثر جنبش‌های خودمختار آنها بی‌مدرسه هستند. محدودیت‌ها می‌تواند آنها را به فعالیت‌های سندیکاها در اتحادیه‌ها محدود کند. کمونیست‌ها در اتحادیه‌ها فعالیت می‌کنند.

لبنان: در لبنان وضعیت ویژه‌ای حاکم است. احزاب و فرقه‌های سیاسی و مذهبی گوناگون و مشکلات کشور، بر جنبش کارگری تأثیرات منفی را به جا گذاشته است. این امر وحدت و یکپارچگی کارگران را تحت الشعاع قرار می‌دهد. اما علیرغم آن، جنبش کارگری در لبنان بیش می‌رود. مشکلات اقتصادی کشور، فشار سنگینی را بر طبقه کارگر وارد می‌کند. فعالیت‌های سندیکاها می‌تواند به طور عمده تحت نفوذ نیروهای ملی و مترقی کشور است. فرهنگ طبقه کارگر در لبنان نسبتاً بالاست و طبقه کارگر لبنان سیاسی و آگاه است. این امر از وضع ویژه لبنان و رشدیالی‌ها بر ما به یاد می‌آورد. کشور - نسبت به سایر کشورهای عربی - سرچشمه می‌گردد.

طبقه کارگر در جهان عرب به‌عنوان عامل وحدت نیروهای ملی و مترقی، علیه ارتجاع و میریالیسم پیش ازین به میدان می‌آید. جنبش کارگری در وضعی است که به هیچ وجه دولتها قادر نیستند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. طبقه کارگر در کشورهای عربی، در مجموع، از واقع بینی و متانت قابل توجهی برخوردار است. این امر بر جنبش کارگری کمونیستی منطقه، تأثیر بسیار می‌گذارد. فعالیت‌های مترقی و سیاسی آن، به دلیل تجارب طولانی کارگران ما، یافته‌ها، سنجیده و حساب شده است. این امر موجب می‌گردد که رژیم‌های ارتجاعی عرب به آسانی قادر نباشند، از فعالیت‌های متشکل سندیکاها، طبقه کارگر جلوگیری کنند.

سودان: سندیکاها را آه آن سودان که نقش مهمی در سرنگونی نمیری داشتند، فعلاً آن در صحنه مبارزه حضور دارند. پس از سرنگونی نمیری، جنبش کارگری قدرت و توان بیشتری یافته است و نقش زیادی در حفظ و احراز آزادی دموکراتی در کشور دارد. جنبش دموکراتیک در سودان از جنبش کارگری انزوی و نیرو می‌گیرد.

مصر: اکنون طبقه کارگر مصر، مستقلاً تشکیلاتی سندیکا‌ئی خویش را به طور ویژه و کاملاً استکراهی ایجاد می‌کند. در کنار سندیکاها، فعالیت‌های حکومتی، سندیکاها می‌تواند به طور موازی توسط کارگران ایجاد شده و توسط رژیم مبارک قدرتیست جلوی آن را بگیرد. طبقه کارگر مصر به نیروی جدی در تحولات کشور تبدیل شده است.

تونس: در تونس، اتحادیه‌های کارگری با قدرت در مقابل رژیم بورژوازیستا ده‌بودند. جنبش کارگری که ملاحظه سیاسی داشته و دارد. این جنبش قدرت مند است. کارگران پیشا پیش جنبش داده‌ای حرکت می‌کنند، سطح مبارزات کارگران و قدرت سندیکاها در حدی است که گاه حتی رهبران میانه‌روی حکومتی آنها نیز مجبور به درگیری

**با جمع آوری کمک‌های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.**





اگر ترابز داشت کردند رفیق!

مخفی کردن دستگیری

یکی از نشانه‌های خنده‌ترین و در عین حال بی‌دینگری‌ترین شکردهای ساواک خمینی، مخفی کردن دستگیری ما یا زانقلابی است. هدف ضمنی از این کار آن است که مکانات و سرپل‌های ارتباطی ما تصور سلایمتی فرد، طبق شرایط عادی و همیگنی خود عمل نمایند و پلیس بنوا نهد بپاد فریب‌ها هر چه بیشتر گسترش دهد. با زوجه معمولاً انقلابی است...

بازجویی (۳)

قراردادی جریان این دیدار را برای آن دونفر تعریف کردم، آنها به مدت عصبانی شدند و ما سرزنش کردند که چرا خود ما زمان را با استوگن‌ها رهزای سنجیده به خطری ما ندادیم و بعد از آن اتفاقا در زندان قرار یبم دادند تا اگر با دیدن رفیق را دیدیم به او بدهیم. کم‌کم دیگر آن رفیق را ندیدیم. آنها به اجرای قرار ما منجمان را دادند و ما داندوهر با رهنمودها سرش تا زهای مطرح کردند. با گذشت زمان نگرانی من بیشتر شد. مصمم گفتم هر طور شده توهرم را ببینم. این را به آنها گفتم و یسه شد تا رفیق را دیدم. آنها وقتی متوجه شدند که من مشکوک شده‌ام از دیدن همسر صرف نظر نخواهم کرد. برایم قرار گذاشتند. وقتی بر سر قرار رفتیم، همسر مرا با چهره‌ای لاغر و زرد دیدم. او گفت که ما قبلی همان روز که از خانه خارج شدیم، دستگیر شده. وقتی ما جاری با دادگاه رفتیم، او را متعجب کردیم که هیچوقت با ما داشتی برآیم فرستاده بودی. در هر دو مورد نفوق پلیس توانست برای مدتی نسبتا طولانی، ما نواهد و فرقی از طرف افراد دستگیرنده را فریب دهد و بخشی از نقشه‌اش را با اجرای ما در آورد.

روبرو کردن با افراد هم‌پرونده

در باره‌ای موارد، پس از اعمال شکنجه و مقاومت کردن زندانی در برابر شکنجه، زندانی را با کسی که با هم‌درا رتبا ط بوده‌اند، روبرو می‌کنند. لحظه روبرویی اهمیت زیادی دارد.

در ساواک خمینی، غالبا هنگام روبرو روبرویی چشم‌پندار انجام می‌دهند. زیرا احتمالاً احتمالاً می‌دهند که آنها با اثار آن با حالات مختلف چهره، نگاهی را در دیدن کنند. قبل از روبرو کردن همسر، با زوجه‌ای را که فرود آمده‌اند، آورد. دقیقاً تعیین می‌کنند و می‌گویند که حق ندارد در کلمه‌های اخافی بر زبان آورد. وظیفه‌ای که برای روبرو شدن می‌یور، با رفتن امکان‌ها با پیدا کردن تا کیداتی است که بنوا در رفیق خود را از هماغه استی کند. این کار حتماً می‌یور. زیرا ممکن است که با زوای این اظهارات را رفیق کند و در صورت بی‌دستی، با آن نکات بی‌ببرد. در عین حال وقتی که رفیق را با ما روبرو می‌کنند و زوای آن اوسا ظلمتی را می‌شومیم، همواره با دیدن این امکان را در نظر بگیریم که ممکن است تنها یک محنه‌ای با شادویا زحسو آن رفیق را و او را ز کرده‌اند که محلات معینی را بگوید و این محنه‌ای را برای رفیق ما و یا اجرای یک بلوف ترتیب داده‌اند. روبرو کردن با چهره‌ای شناخته شده

نوعی از رژیم، در بسیاری موارد، چهره‌های معروف و شناخته شده را با لای سر متهم می‌آورند تا روحیه او را در هم بکنند. با آنکه نوار رویداد مسووی مطا حه‌ای اخباری آن را بخش می‌کنند. ممکن است که زیر شکنجه شدید فردی را که در شکنجه‌ها مسئولیت داشته‌اند، او را در زندان به متهم دستورالزمانی برای اثنای اطلاعاتی بدهند.

چنین محنه‌ای رفیقی فقط می‌تواند افراد بی‌تحریر را فریب دهد. این نکته را باید بیاد داشت که در کنار صداها و هزاران هم‌زیمی که قهرمانان به مقاومت کرده‌اند، همواره عناصری بافت می‌شوند که در هم شکسته‌اند. این که فردا فرود آمده‌اند بر این مساز از چهره‌های سرشناس است. سابقاً ما زوای این طسولانی دارو یا مسئولین با لای یک جریان است و ... هیچ یک نباید بر این حقیقت روشن‌سان و بی‌سخت‌کننده‌ها اکنون در جنگال پلیس اسیر است و نه به راه‌آده‌آده‌آده، که زیر شکنجه و محنه‌ها به آتخا آمده و فقط مجازاً به گفتن سخنانی است که می‌یور. پس به او دیکته کرده‌اند. لذا توصیه‌ای بنگونه افراد دیده‌زندی در دست کشیدن از مقام و مت‌درا بر پلیس، فاقد ارزش است.

تسوا بیسن

تسوا بیسن قربانیان رژیمند که در برخی از بازجویی‌ها، شکنجه‌گران از آن‌ها به‌صورت یک وسیله برای یکسب اطلاع یا آزار و اذیت ما بر زندانیان استفاده می‌کنند. آنها ممکن است که برای اظهار شهادت دروغ یا با یوش دوزی ما استفاده‌ده‌قرار گیرند که قطعاً با اظها را نشان را به دلیل آنکه توایند، بی‌اعتبار را علم‌گرم دوه‌به‌ترتیبی، بنا به زبیرا با یوش دوزی‌های آنها رفت. برخی از آنها برای به اصطلاح نصیحت و ائناع متهم‌ها را گرفته می‌شوند و پلیس می‌کوشد با حضور آنها اثبات کند که همه دستگیر شده‌ها مثل آنها در هم شکسته‌اند. بویژه زمانی که در میان آنها یا مسئولین متهم، کسی ضعیف‌تر از آنها و یا تسلیم شده‌ها است، شکنجه‌گران از طریق اینگونه‌اثنای می‌کوشند که روحیه زندانی را تضعیف کنند. از تواین در سلول‌ها نیز، برای کثرت‌زندی و به این ترتیب سب از زبیری از اجحت گفتار در جریا با زوجه‌ای، استفاده می‌شود. با آنکه دقت و تجربه می‌توان به

سرعت چنین عناصری را شناخت در عین حال این امکان همیشه وجود دارد که این با آن تواین ما مور پلیس خود را خوب استنا کنند و شناخته‌شده، از این رو فرد تحت بازجویی، در سلول و بازداشتگاه ضمن در پیش گرفتن رفتار بی‌متین و روحیه‌دهنده و کمک‌سجیده به سایر اسرای تحت شکنجه، این را به عنوان یک اصل در نظر دارد که بیشتر از آنچه در اتاق شکنجه گفته، در سلول چیزی بپیرا مون پرونده خود بگوید. حدس‌گذاری

ظاها چنین به‌نظرمی رسد که با زوجه‌ای می‌تواند شکنجه‌ها را بی‌نیاید اما به‌دهد، لکن عوام‌گونا گونی حدس‌کننده را محدود می‌کنند. با زوجه‌ای شما بل دادیده‌ها حد اکثر شدت ممکن و بطور دانی تا کسب اطلاعات، شکنجه‌ها را می‌دهد. ولی این کار ممکن است به‌مرکز زندانی متوجه‌ده‌در این صورت با زوجه‌ای زهدف خویش با زمی‌اند. البته در بسیاری ۶۰ و ۶۱، عده‌کثیری از انقلابیون زیر شکنجه به‌شهادت رسیده‌اند. این وحشی‌گری هر چند انکاسی از حیوان مفنی اشعاع داشته‌اند، آخونید است. ولی در عین حال نشانه‌ای از عقب‌ماندگی اوست. اینک ساواک خمینی با درسی موزی از تجارب گذشته، تلاش دارد تا مثل سایر پروژیم‌ها را مرتجع‌تر، آخونید و مدرن‌ترین شیوه‌ای را به‌کار ببرد. رژیم برای سرکوب نیروهای انقلابی، به‌وهای کلاسیک و متجان شده‌ها را شناختن "سیا" راه‌های می‌گیرد. بی‌شود که از چینه‌سند سال قبل بدین سو، آدم‌کشانی نظیر "خامنه‌ی" که کارشان شناختن رهنم‌درا زیر شکنجه بود، رفته رفته از دور خارج شده‌اند و جای آنها را با زوجه‌ای گرفته‌اند که شکنجه سیستماتیک و برنا مریزی شده با حجاب را با یک‌زین شیوه‌ای بی‌حساب و بی‌رویه عصر جالیت کرده‌اند. هر چند که سعیت و درنده‌خونی از جویان رژیم فقیها، هنوز هم به‌شهادت عده‌ای از انقلابیون اسیر در زیر شکنجه منجر می‌شود، اما به‌ه‌حال زنده نگاه‌دارنده متهمی از عوام‌گونا گونی محدود کننده‌ها زودر شکنجه برای شرایط کنونی است. این عامل در جریا با زوجه‌ای به‌سود متهم نیز عمل می‌کنند و زوجه‌ای می‌آید و رتبا از او متهم شکنجه متهم‌سندال صرف نظر کنند و او را برای مدتی به‌سیمارستان بفرستند. رفتن از زیر شکنجه

اساسی‌ترین مسئله زیر شکنجه برای یک انقلابی حفظ روحیه، حفظ اطلاعات، پاسداری از حیثیت انقلابیون و شکست دادن با زوجه‌است. هر او که کنش انسان هنگام اعمال شکنجه‌ها بدر ارا چنین امری تنظیم شود. نکته مهم، تحمل شکنجه‌است. هر کسی برای تحمل بهتر شکنجه، به‌گونه‌ای خویش رفتار می‌کند. مسئله مرکزی در تمام مراحل شکنجه این است که دشمن اطلاعات جدیدی را به دست نیآورد. زیر شکنجه هر طور که بهتر می‌شود اطلاعات را حفظ کرد، با به‌دما نظور عمل کسیرد.

مهم‌ترین وسای تریین مرحله‌ها بازجویی، چه برای مزدوران دشمن و چه برای انقلابی‌اسیر، مراحل اولیه‌ها بازجویی است. چرا که شکنجه‌گران و حشیا نه تلاش دارند در همان نخستین لحظه‌ها و روزها با فنا‌های فیزیکی و روانی، تعادل مبارز انقلابی را بر هم زنند و در همان آغاز به تسلیم او را بشناسند. تا به این طریق اطلاعات مهم‌شکلیاتی را که در رسک با صله‌ها می‌یور، اگر بدست پلیس نیافتند، بلااستفاده می‌یور. "سوخته" می‌یور، هر چه سریع‌تر از او بگیرند. در این مرحله که تاکنون مورد بررسی قرار گرفت، معمولاً بازجویی بیشتر شکل شفاهی است و پلیس برای دریافت اطلاعات از حجاب و کلییدی از تفصیل قرارهای شکلیاتی، آدرسا، حاسازی‌ها، روابط شکلیاتی، مسئولیت‌ها و دست‌یابی به‌سند افراد متهم، فشار متهم‌گرا و رد می‌یور. بی‌شوروی در این مرحله حاساسنگ‌بنای محکمی برای بی‌شوروی در مراحل آتی است. انقلابی‌اسیر که در این مرحله، با زوجه‌ای طم‌نکست آشنا کرد، راه موفقیت خود را در مراحل بعدی، گشوده‌است.

بنا زوجه‌ای کتبی معمولاً این‌ها تمام مرحله اول و شکنجه‌های سنگین اولیه و در فرم‌های مخصوص وزارت اطلاعات و گاه "اداستان انقلاب اسلامی" انجام می‌یور. نخستین سوالات شامل تعلمات حقیقی و زمانی مثل نام، نام خانوادگی، نام پدر و ... اسامی مستعار، آخرین مسئولیت سازمانی، آخرین رده‌شکلیاتی و ... است. سوالات کلی و عمومی سیر فقا از تفصیل از انقلاب تا لحظه دستگیری به‌طور مشروح و با ذکر جزئیات ... راه هم در برابر همه قرار می‌دهند. سپس با توجه به نتایج بازجویی اولیه و پاسخ سوالات قبلی، سوالاتی از قبیل: گروهی که تحت مسئولیت، همواره از آن، اطلاعات در زمینه‌ها، تدارکات، تسلیحات (اقتدارات، ماشین‌موتور، خانه یا محل سکونت)، چگونگی حاسازی‌ها، میزان کمک مالی به سازمان، میزان پول ماهیانه در بافتی از سازمان، موجودی سازمان در نزد متهم، میزان حق عضویت و کمیسک ما لی دریافتی در ماه، آدرس گروهی و گروهی مراکز حلسات



متورم که خود در دنیا که است، اصعبا را تحریک می‌کنند و سپس مجدداً شلاق زنی را ادامه می‌دهند. همانگونه که گفتیم، شلاق، موثرترین وسیله شکنجه است، بازجوها هنگام مژدن شلاق، بزندان را از شکنجه‌های مخوف تری ترسانند، حال آنکه در واقع شکنجه‌های بالاتر از شلاق وجود ندارد.

آویزان کردن - در مرتبه‌ای پایین‌تر از شلاق، انواع آویزان کردن به صورت قهقاری، بستن دست‌ها پشت زینت، یا با دو دست و یا یک دست، آویزان کردن موثرترین وسیله شکنجه در جمهوری اسلامی است. در این شیوه، فشار اصلی روی کتف‌هاست. اگر باری زندانی (حتی نگهبان یا پیش‌باز) زمین برسد، شدت در درگمناست و او بدتر ترسیده می‌شود. اگر باری زندانی به زمین نرسد، در زندان ترسان است اما زمانی بی‌هوئی می‌زد و ترس می‌برد.

برخی اشکال دیگر شکنجه‌ها که کوتاه مدت - در مقایسه با شلاق و آویزان کردن - علیرغم ظاهر عسر و رعب آورنده، فاقد کارایی هستند. مثلاً سوزاندن که اساساً برای درهم‌کنستن روحیه کارآموزان و سوزاندن فرد مقدور نیست و در صورت تکرار ربه مرگ امنی می‌شود. برخی از شکنجه‌ها، مثل اسفندام مصنوعی هم تندی برای ایجاد رعب و وحشت است. برخی دیگر نیز مثل مشت و لگدم در مقابل شلاق اما ارزش عملی برای بازجو ندارد. کسی که در شلاق را تحمل می‌آورد، در مقابل سایر اشکال به راحتی تحمل خواهد کرد.

شکنجه‌هایی که از جانب اساتید، "سیا" و "موساد" به‌دو زخمیان رژیم خمینی آموزش داده شده‌اند، به کار گرفته می‌شوند.

شلاق یا کابل برکف با، شلاق روی باسن، آویزان کردن به اشکال مختلف، بی‌هوئی، فشار دادن سینه یک نیمکت دوطبقه به شکل جیب‌شکسته، چشم‌پنزدن برای چندماه، نگهداشتن طولانی مدت در راهرو و بیست در راهرو یا قهقاری شکنجه سوزاندن، مشت و لگدم، انداختن درجای سرد بدون پتوولیا، گرم، حضور در اعدام همزمان، شکنستن دست و پا، کشیدن بدن با ابزار، انداختن زندانی در بشکه، باز کردن قطره‌های آب روی سر طولانی مدت، دست‌بند قهقاری، انداختن موش، سوختن... به داخل طول زندان، محروم کردن از توالت، بی‌توجهی به بیماری‌ها و مبتلا کردن به انواع بیماری‌ها، تها و ز، شرک‌گشتن اجباری در کلاب‌های ارشاد، بخش لابریغ سخت‌انگیز جلادان و ایدولوگ‌های رژیم‌نوا رهای نوحه‌خوانی... و سایر مختصری از انواع تنبیه‌های رژیم ولایت فقیه است.

به‌طور کلی شکنجه‌هایی می‌توان به دو دسته، کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم کرد. شکنجه‌های فوق‌الذکر اشکال کوتاه مدتند. در این نوع شکنجه، شدت فشار بسیار زیاد است. به همین دلیل برای مدت طولانی قابل تداوم نیست. در مرکز آیین شکنجه‌ها، شلاق زدن برکف باست.

شلاق نه‌تنها از کتف‌ها تا کمر زده می‌شود، بلکه از بازوهای برده‌داران است. پس از گذشتن هزاران سال هنوز، دستک‌های سرکوب حکومت‌های ارتجاعی نتوانسته‌اند وسیله‌ای کارا را اختراع کنند و شلاق همچنان ساده‌ترین و رایج‌ترین وسیله موثرترین وسیله شکنجه است.

درباره برشلاق، همه اشکال دیگر شکنجه‌های کوتاه مدت علیرغم ظاهر عسر و رعب آورنده، در حالت عسر قابل تحملند. شلاق سدان علت موثرترین وسیله شکنجه است که اولاً برای ساعت‌های طولانی و به‌دقت قابل تکرار است. ثانیاً - خصیصت فیزیکی دارد و نتیجه درندانی از آن دائمی و مضر است. و ج میرسد و نتیجه تحمل آن دشوارتر است. ضربات شلاق منجر به تورم و دردی شدید می‌گردد. پس از مدتی اعصاب با بی‌حسی می‌شوند و بازجوها را کشیدن خودکار با جوب به‌کف با و اعصاب را شتر می‌کند. شلاق زدن را ادامه می‌دهند، معمولاً پس از مدتی زندانی را از تخت بازمی‌کنند و محبوس می‌کنند تا راهبرود، راه رفتن با پا‌های

اطلاعه کمیته مرکزی...

بقیه از صفحه ۶

با طرز خونچکان جلادان اوین به بیگانه‌علیه ارتجاع و امیربایسما داد می‌دهند، از فدائیان خلق وهسه مبارزان را ستین راه صلح، آزادی و عدالت اجتماع، انشقاق می‌گیرند. آنها که انقلاب را زیر پای سرما به‌داران قربانی می‌کردند، با کشتار شریف‌ترین فرزندان خلق، راه‌گسترش را با ربط با ارتجاعی امیربایسما را هموار می‌کنند.

آنها که کشور را در با شلاق جنگ ضلعی وضد مردمی غرق کرده و بر شتر و ملی و دسترنج جنگستان کشور، چوب جراح زده‌اند، ندای عدالت خواهان نسه و صلح طلبان نسه شما مردم را ترور فرزندانی امیربایسما یا سخ می‌گویند. تا با خیال از خود، فریاد صلح، آزادی و عدالت را در میهن زجر دیده‌ها ما خاموش سازند.

مردم مبارزان و زحمتکش ایران!

رفیق اکبری یکی از صدها فدائی شهید است که در بیگانه‌علیه نظم‌ستونان برابری به‌شهادت رسیده‌اند. کینه‌های ما با این رژیم‌نیت به‌فدا شیان خلق به خاطر آن است که ما زمان ما در برابر برجنایگان ارتجاع طلب، آزادی کش و استقلال کش با سر بلند استاده است و از صلح، آزادی و عدالت زحمتکش در دفاع می‌کند. رفقای ما را به حرم دفاع از کارگسمران و زحمتکش و به خاطر دفاع از سر فدا شیان، به جوعه اعدام می‌سازند.

نقشهای گوردهل و سیا هکار، با ارتکاب جنایات هولناک و کشتارهای دریند، می‌خواهند کینه انقلابیون خلق را سرعوب سازند و آنرا از بیگانه در راه سرنگونی رژیم سرپا ننگ و فساد دجیمیوری اسلامی بازدارند و میرگ محموم خود را چندمباری به عقب‌اندازند. اما این تنبیه‌های، نعره‌ها را در ادا به بیگانه انقلابی و پیشاپیش زحمتکش ایران، را ختم می‌زند.

کارگران و زحمتکش مبارزان! با گسترش مبارزه علیه رژیم جنایگان رخمینی، ارتکاران جنایات رژیم جلویگری کنید! علیه بازداشت، شکنجه و ترور انقلابیون اعتراض کنید! از زمان فدا شیان خلق ایران (اکثریت)، ستگوار ستمکاران زندگان راه صلح، دمکراسی، استقلال و سوسیالیسم است! از زندگان فدا شیان پشتیبانی کنید!

رفقا و همزمنان! رفیق جوانان که در شرایط دشوار شکنجه‌ها و اوین، با ردیگری با رتا بی جان را با مهارت و بیچیدگی خاصی سرکزیه، به فرجام‌گاری که بداند دست‌یا زید، نیک‌اگاه بود. او این راه را برگزیده، تا سنت فدا شیان که بیگانه در راه شوده‌ها تا آخرین لحظه حیات است، زنده بماند، با تداوم مبارزه بی‌مان علیه رژیم جعل و جنایت جمهوری اسلامی، راه سرحما سسه و بیگانه‌شده‌ای گرانقدر سازمان را بی‌بگیریم.

انده‌شده‌ای رفیق جوانان را با خشم و کینه‌ای فروزنتر نسبت به دشمنان مردم مبارزان به یکبار چهره و محمدمتر در راه‌ها متن صلح، دمکراسی و استقلال و در راه آرمان مقدس سوسیالیسم، با سخگوشیم.

کمیته مرکزی سازمان، با در رفیق اکبری عضو هیئت سیاسی را گرامی می‌داند. مراتب تسلیت و همدردی خود را به‌خدا نوا در رفیق تقدیم می‌دارد.

کرامی با دخا طره فدا شیان خلق، رفیق علیرضا اکبری شادید

در اهتزاز با درجه‌مردم فدا شیان سرنگون با در رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدا شیان خلق ایران (اکثریت) اسفند ماه ۱۳۶۶

یاری زندانیان سیاسی...

در محاصره تلو بیرونی آخوندها شرکت کنند، هویت انسانی و شخصیت انقلابی خویش را منگوشوند و اعتقادها تا آزادی و سیاسی‌شان را زنی کنند. تعدادی از زرمندترین زندانیان سیاسی کینه سالهاست بدون کمک در زندان به‌سر می‌برند، بلا تکلیف و در وضعیت نگهداشته می‌شوند که هر لحظه با طرز جلادان را بر برگردن خویش احساس کنند. اعمال محدودیت‌های بیشتر در شرایط زیستی زندانیان، کمبود محسوس در امکانات بهداشتی، درمان‌ناهی، غذائی، بروکمت اوضاع فدا شیان را سرتنگا هیات جمهوری اسلامی افزوده است. ملاقات برخشی از زندانیان به‌دخاوه زندانیان تا هزار زندگانه، لغو می‌شود و برای مدتی نا معلوم به تعویق می‌افتد. در ۱۷ دی ماه ۱۳۶۶، مقتدای سخگوشی شورای عالی قضائی در گفتگویی با رسانه‌های گروهی، رسماً اعلام کرد که: "زندانیان سیاسی که در موضع خود با قی هستند و زندان هیچگونه اثری بر روحیه آنها نداشته اند و اندخواهند شد. حدقل شرط آزادی برای این اسیران انقلابی، نوشتن "انرجار نامه" طبق فرم‌های وزارت اطلاعات رژیم، تعیین شده است. مقتدای در همان گفتگویی بی‌شمی خطا به‌سها خا نوا ده‌های زندانیان سیاسی، گفت که: "به‌سهای توسل به دیگران و ارسال نامه‌ها و تقاضاها، در ملاقات با فرزندان نشان سی کنند و روحی آنها را ضعیف‌دهند تا عملکرد آنها در زندان به‌سهای و آنگاه اظهار رندا مت کنند و موضعی که‌دارند، بازگردند". هم‌این شوا همدستان می‌دهند که رژیم تنبیه‌گران را فقط با مبارزه و پیگیری واقع می‌توان به تسلیت و داشت و مجبور کرد که فشار بر زندانیان را کاهش دهد.

ما با ردیگری هم‌زمنان از آردیخواه‌ها دعوت می‌کنیم که به یاری فرزندان اسیر خویش بنایند و از خواسته‌های برحق شان دفاع کنند. زندانیان سیاسی از اینکه در دوران بازجویی و در زندان هر لحظه و به‌درست و وزی، آماج حیوانی ترسین شکنجه‌ها، توهین، تحقیر و شلاق قرار می‌گیرند، معتزفند و خواستار آنند که به‌جای محاکمه‌در دادگاه‌های درسته، غیرقانونی و جانبدارانه، در دادگاه‌ها علنی، با برخورداری از حق دفاع آزادانه و انتخاب وکیل مدافع، از جادقل حقوق انسانی برخوردار شوند. آنها می‌خواهند که ملاقات با خانواده‌ها داشته‌اند و در شرایط انسانی صورت بگیرد.

ما با ردیگری هم‌زمنان از آردیخواه‌ها دعوت می‌کنیم که به یاری فرزندان اسیر خویش بنایند و از خواسته‌های برحق شان دفاع کنند. زندانیان سیاسی از اینکه در دوران بازجویی و در زندان هر لحظه و به‌درست و وزی، آماج حیوانی ترسین شکنجه‌ها، توهین، تحقیر و شلاق قرار می‌گیرند، معتزفند و خواستار آنند که به‌جای محاکمه‌در دادگاه‌های درسته، غیرقانونی و جانبدارانه، در دادگاه‌ها علنی، با برخورداری از حق دفاع آزادانه و انتخاب وکیل مدافع، از جادقل حقوق انسانی برخوردار شوند. آنها می‌خواهند که ملاقات با خانواده‌ها داشته‌اند و در شرایط انسانی صورت بگیرد.

به بر نامه‌های  
راديو زحمتکشان ایران  
گوش فر ادهید







به مناسبت نهمین سالگرد انتشار کت

با انتشار این شماره، نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوت) نهمین سال فعالیت خود را به پایان می‌رساند. کار در سال گذشته نیز، ابزار اصلی تبلیغ و ترویج ایده‌های سازمان رزمنده برای رها شدن خلق و تحقق آرمان‌های طبقه کارگر و رزمندگان ایران و مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم بوده است. نشریه مرکزی سازمان، حتی در سخت‌ترین شرایط استبداد خویشا ر حکومت فاشی، با پشت و پا به برودن فدائیان بیگنا رگرو چایز ، به دست مبارزان رسیده و بیام آور آگاهی و ترویج بخش پیروزی رزم انقلابی بوده است. کار امروز هم علیه رژیم پهلوی و سرکوب حیوانی رژیم، توسط واحدهای سازمانی بخش می‌شود. در سالروز انتشار "کار"، باید گفت که سال‌ها گذشت اما این آرمان‌ها هنوز با ما، با رادیکال‌ها و فدائیان باقی مانده و در راه مبارزه برای رهایی از دست‌های پرتوان خود دراز کشیده‌اند. می‌باید به این واقعیت اعتراف کرد که سال‌ها از مبارزه برای آزادی و برپایی نظامی استبداد در ایران می‌گذشت اما هنوز هدف‌ها، موضع‌گیری‌ها، خط مشی‌ها، تعامیم و اقدامات سازمان، با مقولات پیرامون مسائل سازمانی، تجاری و مبارزه با پلیس سیاسی، کارگزار سازمان نگرانه در میان کارگران و زحمتکش‌ان و رهنمودهای تشکیلاتی به نیروهای سازمان، در مقایسه با گذشته بوزن بیشتری در نظر می‌آید.

در سالروز انتشار "کار" و برپایی حکیم هر چه بیشتر حضور و فعالیت فدائیان در مبارزه خلقمان برای طبع آزادی و سرنوشتی رژیم خمینی، همواره اعضا و هواداران سازمان باید که:

۱- با حفظ نظم و پیگیری "کار"، به مواضع و سیاست‌های سازمان هر چه بیشتر تنبیه شوند و در جهت تبلیغ ایده‌ها و اجرای رهنمودهای رهبری سازمان فعالیت خود را تشدید کنند. اکنون به ویژه در شرایط سرکوب و اختناق رژیم خمینی، باید پیش از گذشتگی رهنمودهای نشریه برای سازمان را جدی داشت. تلاش می‌شود که آنچه در گذشته، از نگاه سیاسی دقیق آخرین مواضع و رهنمودهای رهبری سازمان باشد و جمع بندی آخرین تجارب فدائیان در زردن سراسر

کشور، در نبرد علیه پلیس سیاسی، کار سازمان نگرانه توده‌ای و تبلیغ و ترویج انقلابی را عرضه کنند.

"کار" را به دست مردم، بویژه کارگران و زحمتکش‌ان برسانند. واحدهای هوادار رگه‌های نشریه را مستقیماً در دست‌های خود نمی‌گذارند و بویژه در بریده‌دستان می‌سازند. می‌توانند اعلامیه‌های کمیته مرکزی و مقالات مهم تبلیغی کار را، کارزار، کمیته زحمتکش‌ان ایران نیز بخش می‌شود. ضبط و سپس تکثیر کنند.

"کار" را با برخورد خلاق و انتقادی و ارسال نظرات و پیشنهادات سازمان‌دهنده خود، غنی تر سازند. "کار" منتها در ارتباط متقابل با خواننده‌گان خود می‌تواند وظایف خطیری را که بر عهده دارد، به نحو بهتری به انجام برساند.

هر چه فعالیت انتشار گرانه‌ها، هم‌چنان به‌تر باشد، با اعلان جنگ ما به راجع خمینی، اهمیت معنوی بیشتری کسب می‌کند. سیاست ما تا فدرالیسم می‌رسد و از اعتبار معنوی بیشتری در میان توده‌ها برخوردار می‌گردد. هر چه درگاه اطلاعات و اخبار ما برای تحلیل روندهای جاری کشور، کامل تر و دقیق تر باشد، اطمینان به صحت ارزیابی‌های ما بیشتر خواهد بود. هر قدر که تیار با رزای منسک در "کار"، غنی تر و همه‌جانبه‌تر باشد، واحدهای سازمانی ما از کیفیت بالاتری در فعالیت انقلابی برخوردار می‌گردند. لذا ضرورت تمام دارد که فدائیان خلق در سراسر کشور و دستورات سازمان، به رعایت کامل مقررات انضباطی و دستورات سازمانی در این زمینه، "کار" را در جریان اخبار و رویدادهای کشور قرار دهند. گزارش‌های مسلسل محیط‌های گوناگون اجتماعات و مشکلات و مبارزات فاشی و مختلف مردم، با رعایت و اعتراضات، وضع زندان‌ها، آزادی‌های رژیم خوانده‌ها و مسائل درون حکومت فاسد خمینی، از جمله مطالبی است که تهیه و ارسال می‌شود. اگر آنگاه، ارگان مرکزی سازمان ما را در اینجا موظف انقلابی‌ان توانا تر خواهد کرد. همه مطالب - حتی اگر مستقیماً در صفحات نشریه منعکس نشوند - مورد استفاده موثر رهبری سازمان قرار خواهد گرفت.

"کار" در نشر مبارزه فدائیان خلق، به‌رغم بیگنا ر طبقه کارگر ایران در راه صلح، دموکراسی، استقلال و سوسیالیسم است. این درفتی را با بدست ما منبر و توان از هنرهای زنگنه است و آن را به سلاخی منتقل با فتنه‌تر و رادیکال‌تر در مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم، به‌پایانگی ر است. تبلیغ و ترویج ایده‌های دوران سازمان رگیم - لنینیسم و به‌ربرای غیبت‌های بسیج و مبارزات تکراری طبقه کارگر و همه‌فشار خلق در مبارزه برای صلح، آزادی و سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی بدل ساخت

افغانستان در راه استقرار صلح

میخائیل گابریل رهبر شوروی در اواسط ما گذشته، طی اعلامیه مهمی مواضع دولت اتحاد شوروی در رابطه با حل مسئله افغانستان و موافقت با زنگنه قوای شوروی از آن کشور اعلام کرد. اعلامیه که در مرکز توجه ما قبل اجتماع سراسر جهان قرار گرفته است، بویژه از این لحاظ حاظر اهمیت است که در حال حاضر زمینه لازم برای حل منطقی جنگ خونین چندین ساله داخلی در این منطقه، در حال فراهم شدن است. در اعلامیه ضمن اشاره به مذاکرات نوبتی قریب‌الوقوع میان افغانستان و پاکستان در ژنو که بوسیله نماینده شخصی دبیرکل سازمان ملل متحد، هدایت می‌شود، آمده است:

...تقریباً تمام ساداتی شوروی از مختلف حمل و نقل مسئله را در بر می‌گیرند، به‌استعداد ما رسیدن است، از جمله: موافقت با مذاکرات میان افغانستان و پاکستان راجع به عدم در حال حاضر زمینه لازم برای حل منطقی جنگ با زنگنه قوای شوروی از افغانستان، تضمین ایفای عملی عدم در حال حاضر در مورد خلق جمهوری جدید، تسدی، در مورد ارتباط متقابل همه عناصر صلح و فصل سیاسی، و موافقت با همه برای ایجاد دستگاه کنترل... در این اعلامیه به‌دفعه فراخوانده شده است. در این باره، افغانستان در نوامبر ۱۹۸۸ ذکر شده است، منوط به این که مذاکرات آینده زنگنه تا ۱۵ ماه پس از سال جاری به‌سرانجام برسد. در این صورت نیروهای شوروی طی مدت ۱۵ ماه به‌میانه با زنگنه خواهند گشت.

میخائیل گابریل در رابطه با این مسئله که آیا پس از خروج نیروهای شوروی از خاک افغانستان درگیری‌های مسلحانه در آن کشور، شدت بیشتری نمی‌یابد، تصریح کرده است که، تعهدات زنگنه و ارگامک رسانی از خارج برای کسانی که به رها شدن با زور صلح، را راه خود را به ملت افغان تحمیل نمی‌کنند، بی‌بند است. هرگاه که نیروی بی‌بند، آنگاه می‌توان فکر کرد که چگونه از مگانات سازمان ملل متحد، در این باره، استفاده عملی آید.

در قسمت پایانی اعلامیه آمده است: "...هرگاه که در افغانستان نشود، این امر در دیگر مناطق منطقه هم تا رسیدن به برپایی خواهی شد. ما ساقه صلحی که ما بسیار با اطمینان آن را متوقعیم، زهم‌الحا لاهم به‌سرانجام نماند. آمده ایم، موافقت با برداشتن به‌شیرت به سوی برتنگه است. و اما مناقشات منطقه‌ای، چرا که است که از آنها خون می‌چکد... زمین از زخم‌های جنسی کانون‌های خطرناک و قاعا بریده است. هر کدام از این‌ها، نه‌تنها دردهای ملت‌ها را تسکین می‌دهد، بلکه در دستگیر کردن کانون‌ها، گشا نه‌شده است، بلکه در دهگان است. خواه در افغانستان، خواه در آسیا و اروپا در رابطه با جنگ ایران و عراق، و در جنوب آفریقا، کامبوچ و با در آمریکا و مرکزی. چه کسی از این مناقشات سود می‌برد؟ هیچکس سبب تاراج و سلاخی و انواع واقعا محافل مرجع کسه عادت دارند از بدبختی‌ها و بی‌بلائی مردم خجسته به‌سرانجام رسیدن مسئله افغانستان، جنس مهمی در زنجیر مناقشات منطقه‌ای خواهد بود.

اعلامیه میخائیل گابریل، مورد استقبال نیروهای صلح‌دوست جهان که نگران اوضاع افغانستان هستند قرار گرفت و در مطبوعات جهان از جمله مطبوعات غربی با زنگنه مثبتی پیدا کرد. کاز مبدعانه‌ها بر خود خوش بینان‌های نسبت به آخ ایران زنگنه است. وزیرخارجه انگلیس، آنرا بسیار مهم‌وارا هکنای مذاکرات آینده افغانستان و پاکستان دانست.

همزمان با انتشار اعلامیه زنگنه، اتحاد شوروی، "نجیب‌الله" رئیس جمهور افغانستان نیز اعلامیه‌ای انتشار داد که در آن را ردیگر بر اساس واقعت‌های موجود و نطفه‌های ضرور، بر تشکیل دولت ائتلافی با اپوزیسیون تاکید کرده است. رئیس جمهور افغانستان در بیانیه خود، تاکید کرد که "مما لحنه ملی و ایحادجین حکومتی، ما لکن ما لا داخلي افغانستان است و آن را باید خود افغان‌ها حل کنند." "نجیب‌الله" بر سیستم چند حزبی در کشور که بسیار گوناگون است، از جمله مختلف اجتماع افغانستان امروز است، صحه گذاشت.

بیانیه‌های رهبران شوروی و افغانستان که بیانگر نظر تنگ‌نویس سیاسی و نگرش جدید به ما در جهان می‌باشد، در مسئله افغانستان را در گرو اتحاد و روی‌های مسئولانه و اجابت‌گلبه نیروها و کشورهای دیربخت می‌دانند.

آدرس: PI-10 1091 WIEH AUSTRIA
آدرس: AUSTRIA - WIEN 3AWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARNER
حساب بانکی.

قیام فلسطین نیرو می‌گیرد

نزدیک به سه ماه است که تظاهرات و اعتراضات همگانی مردم فلسطین در نوار غزه، سواحل غریبی رود اردن و دیگر مناطق اشغالی فلسطین ادامه پیدا کرده است. کارگران به‌بهره‌رودانی و سرکوب سران ائتلافی، ادامه می‌دهند. خلق عرب فلسطین به نمایش قدرت و قیام علیه اشغالگران اسرائیلی دست زده است. او با فلسطینی‌ها کنگر بخت اشغالی رود اردن و نوار غزه پیش از این نمی‌چوهند که پیدا درگیرهای اشغالگران را تحمل کنند. قیام کنگرندگان سواحل رلغوفوری قوانین ظالمانه حالت فوق‌العاده نظامی و زمین رفتن محاصره اردوگاه‌ها هستند. آنها علیه الحاق سرزمین مناطق فلسطینی و ایجاد دهکده‌های نظامی جدید، اعتراض دارند. مهم‌ترین هدف قیام، پایان دادن به اشغال مناطق است. خروج نیروهای نظامی صهیونیسم اسرائیل که از این اقدام به وحشت و خیانه، زوری آورده است. تعداد گذشته‌گان تظاهرات خیا‌سانی دوره اخیر، به‌بیش از صد نفر رسیده است، تعداد زخمی‌گان به‌بیش از صد نفر زنده‌نیای اسرائیل از این زنده‌گان انباشته شده است. ایسا در سرکوب و کشت و کشتار انجام می‌گرفته است. یساری از نیروهای درون حکومت اسرائیل و دولت‌های امپریالیستی حامی آنها را نیز به‌مخالفت واداشته است. حکومت‌های متکسرسر اسرائیل در مقام معینان فلسطینی، بویژه در سازمان ملل متحد، حاکی از برآزمیستگی‌ها بین ما و فلسطین و اعلام تجزیه و نسبت به وحشیگری‌های صهیونیسم اسرائیل است.

ایا فدائیان مردم فلسطین به‌چنان سطحی رسیده است که دشمنان ریزدرشت آن را به‌تکا بیوانداشته است. دولت آمریکا که مدت‌ها پیشکار عمسسل را در مسئله فلسطین از دست داده بود، با انگیزه مقابله با قیام، مورفی سفیر ویژه خود را با پیشنهادات جدید به منطقه گسیل داشته است. مورفی می‌خواهد احسق

بنا بر چنان بیکار را با طرح خودمینی به‌سر دادن "خودمختاری محدود" به فلسطینی‌ها، در سواحل غریبی رود اردن و تحت قیمومیت دولت اردن، برآورد کند. محافل امپریالیستی و دستگاه تبلیغاتی آن تلاش می‌کنند که قیام را "خودانگیخته"، "نامشروع" و یا اینکه تحت تأثیر نیروهای اسلامی جلوه دهند. رژیم خمینی نیز در تبلیغاتش و نمودی کرده که گویا این اعتراضات تحت رهبری نیروهای اسلامی هوادار رژیم، بنا بر کرم می‌شود. هدف همه این ادعاها روشن است، آنها می‌خواهند، سازمان آزادیبخش فلسطین، نه‌تنها مانند توننی مردم فلسطین را، به‌اعتبار کنند. سازمان آزادیبخش فلسطین که بویژه به‌سبب از اجلاس الجزیره، ز قدرت، وحدت و استحکام بیشتری برخوردار شده، سازمان تکراراً با بخش قیام مردم فلسطین است. در شما ما این مدت "ساق رهبری قیام را به عهده‌داشته است.

هر روز که می‌گذرد، جهان بیشتر از گذشته به‌حقانیت مبارزات خلق فلسطین برای تأمین حق سرنوشت خود و تشکیل دولت مستقل فلسطینی آشنا می‌شود. هم‌اکنون خلق فلسطین از چنین بنیوان‌های در دفاع از حقوق خود برخوردار است. پیشنهاد تشکیل کنفرانس با شرکت همه طرف‌های درگیر و زیر نظر سازمان ملل متحد، در جهت تأمین واقعی حقوق خلق فلسطین، مدافع بیشتری پیدا می‌کند. اجلاس اخیر، سران کشورهای عربی در اردن، متفاسر تشکیل آن مهترانه‌گذاشت. وزرای امور خارجه کشورهای عربی که جنیدی بنین در تونس برای بررسی حوادث تشکیل کرده‌اند، معده بودند، ضمن دفاع از حقانیت تشکیل دولت مستقل فلسطینی، خواستار برگزاری کنفرانس بین‌المللی شدند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوت) جنا پستی‌ها را به دولت اسرائیل علیه فلسطینیان را محکوم می‌کند و با تاکید مجدد بر دفاع قاطع از مبارزات برحق خلق فلسطین علیه اسرائیل اشغالگر و در راه تشکیل دولت مستقل فلسطینی تحت رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، از ایبده برگزار می‌کنند.